

بسم الله الرحمن الرحيم

ابعاد نشست سران امریکا و روسیه در ژنیف

(ترجمه)

پرسش

چهارشنبه 16 ژون 2021م در ژنیف اولین نشست سران کشورها بین دو رئیس جمهور، بایدن رئیس جمهور امریکا و پوتین رئیس جمهور روسیه برگزار شد. نتیجه این نشست چیست؟ و هدف از این نشست چه می‌تواند باشد؟ و آیا از نشست دو رئیس جمهور در ژنیف، نتایج مثبتی انتظار خواهد رفت؛ به این معنی که آیا روابط امریکا و روسیه - پس از سال‌ها وخامت در تاریخ دو کشور - بهبود خواهد یافت؟

پاسخ

درک ابعاد نشست سران امریکا و روسیه مقدور نخواهد بود؛ مگر این که امور پس‌پرده‌ای را دانست که روابط دو کشور را در سال‌های گذشته وخیم نمود که این امور قرار ذیل اند:

1- تعداد زیادی از رسانه‌ها و برخی از سیاسیون، کشور های امریکا و روسیه را به "دو کشور غول پیکر" توصیف می‌کنند؛ البته این تصویر دوام واقعیتی است که در اذهان نقش بسته است (واقعیتی) که امریکا و "اتحاد جماهیر شوروی" دو کشور قوی و بزرگ در جهان بوده و هرکدام شان صاحب پایگاههایی اند. واقعیت امر این است که ضربه بزرگی که روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی متقبل شد، این کشور را از سطح یک کشور رقیب جهانی با امریکا، به میزان زیادی تنزل داد. بنابراین، نشست برگزار شده بین سران دو کشور، از دید منزلت و جایگاه، به مراتب نسبت به نشست سران امریکا و شوروی سابق، از اهمیت کم‌تری برخوردار است؛ چون آن اجلاس‌ها، پیامدهای زیادی در قبال داشت؛ چنان‌چه فعلاً از ستون‌های شکوه روسیه، چیزی جز توان نظامی‌اش باقی نمانده است؛ مخصوصاً توان هسته‌ای، موشکی و توان‌مندی‌های فضائی‌اش و بدون این موارد، چیزی از عظمت گذشته آن باقی نمانده است!

2- روابط روسیه با امریکا با پایان یافتن حکومت "اوباما" رو به وخامت گرایید؛ چنان‌چه در سال 2014م امریکا روسیه را به‌خاطر اشغال جزیره کریمه تحریم نموده و از "گروه هشت" وی را اخراج نمود. سپس در سال 2016م تحریم‌هایی را به‌خاطر مداخله در انتخابات امریکا بر این کشور وضع نمود. حکومت اوباما در اواخر دسامبر 2016م، 35 تن از دیپلمات‌های روسیه را اخراج نموده و تحریم‌هایی را علیه سرویس‌های اطلاعاتی این کشور وضع نمود. یعنی پس از برنده شدن "ترامپ" در انتخابات و قبل از این که ترامپ زمام امور را بدست گیرد. (منبع: دویچه وله، 14 جنوری 2017م)

علی‌رغم سخنان شیرینی که ترامپ با آن پوتین را خطاب قرار می‌داد، امریکا همواره تحریم‌های مزیدی را بر روسیه وضع نموده است و روابط دو کشور به وخامت گرائیده است، چون نماینده‌گی‌ها و قونسولگری‌های زیادی از روسیه را در تعدادی از شهرهای

امریکا مسدود نمود و بر کانال‌های خبری روسیه در امریکا فشارهای زیادی وضع نموده و تحریم‌های امریکا بر روسیه بر اساس دلایل موجه و غیر موجه تحمیل می‌شد.

به خاطر دستگیری "ناوالنی" مخالف دولت روسیه، تحریم وضع شد. در سال 2018م، به خاطر اتهام مسموم نمودن "سکریبال" مخالف دولت روسیه در بریتانیا، تحریم وضع شد. در پایان حکومت ترامپ به خاطر اتهام حملات سایبری، بر شرکت‌های تکنولوژی روسیه تحریم‌ها وضع شد.

وقتی "بایدن" قدرت را در دست گرفت این روابط دیگر هم بحرانی شد. بایدن رئیس جمهور امریکا، پوتین رئیس جمهور روسیه را "قاتل" خطاب نموده و مدعی شد که بزودی بهای مداخله در انتخابات امریکا را خواهد پرداخت. (منبع: اسکای نیوز عربی، 17 مارچ 2021م)

پس از این اظهار نظر، سفیر روسیه در مارچ 2021م واشنگتن را ترک کرد و در ماه بعد آن، سفیر امریکا مسکو را ترک نمود و امریکا، روسیه را به اخراج نمودن از سیستم مالی بین‌المللی تهدید نمود.

3- بایدن که منتسب به حزب دموکرات امریکا است، نفرت بیش‌تری نسبت به روسیه و رئیس جمهورش پوتین ایجاد نمود و او را متهم به مسبب بودنش در ناکامی "هیلاری کلینتون" در انتخابات 2016م می‌کند. دموکرات‌ها در زمان اقتدار جمهوری خواهان از ترامپ رئیس جمهور سابق خواهان تعیین جزا برای روسیه شده و ترامپ را متهم به اهمال در مجازات کردن روسیه می‌کردند و در این مورد، ترامپ را در تنگنا قرار داده بودند و روسیه را هشدار می‌دادند که اگر برنده انتخابات 2020م گردند جبران خواهند نمود. وقتی بایدن رئیس دموکرات‌ها برنده این انتخابات گردید، برنده شدنش هم‌زمان به حملات سایبری بسیار قوی علیه سیستم شرکت "سولار ویندوز" شد شرکتی که با سازمان‌های اطلاعاتی حساس امریکا کار می‌کند.

سازمان اطلاعات امریکا روسیه را متهم به این حملات سایبری نموده و امریکا روسیه را "دشمن" توصیف نمود؛ بلکه دو روز قبل از برگذاری این نشست، بایدن هشدار داد که اوکراین را به پیمان ناتو ملحق می‌کند! به این ترتیب این نشست، با تنش موجود بین دو کشور هم‌سو نبوده، بلکه دارای چهره دیگر می‌باشد که با تعمق پشت صحنه و جریان این نشست واضح می‌گردد که:

الف- نشست بین دو رئیس جمهور پس از دونیم ساعت خاتمه یافت؛ این در حالی است که قرار بود چهار ساعت طول بکشد و بین دو رئیس جمهور، کنفرانس مطبوعاتی مشترک نیز انجام پذیرفت و هرکدام‌شان به تنهایی به برگذاری کنفرانس مطبوعاتی مبادرت نمودند. هردو کنفرانس مطبوعاتی را شبکه الجزیره و رسانه‌های دیگر به 16 جون/ژوئن 2021م به شکل مستقیم، پوشش دادند.

بیانیه مشترک بین شان به توافق طرفین روی موضوعات زیر خلاصه شد:

این که جنگ هسته‌ای هیچ برنده‌ای را در قبال نخواهد داشت؛ هرچند که در کدام چشم اندازی بین دو کشور، (وقوع این جنگ) انعکاس نیافته است. بایدن رئیس جمهور امریکا متعهد به ملتزم بودن واشنگتن به تداوم توافق نامه استارت 3 که به منظور کاهش

تولید سلاح‌های استراتژی (انعقاد یافته) بود، گردید و نیز بر ایجاد کمیسیونی توافق صورت گرفت که موفقیت این موضوع را نظارت کند.

مسائل اختلافی زیادی بین دو کشور به بحث گرفته شد. (در این نشست هم‌چنان) رئیس‌جمهور روسیه همتای امریکایی خود را از چرائی توصیف کردنش به "قاتل" مورد سوال قرار داد. بایدن در کنفرانس مطبوعاتی از عواقب خطرناک احتمال مُردن "ناوالنی" چهرهٔ مخالف دولت روسیه در زندان هشدار داد، مگر وی نشست را متمر و مثبت توصیف نمود و به شکل ضمنی اعتراف نمود که این دیدار حامل پیام تهدید برای روسیه نیز بود اگر که بار دیگر اقدام به مداخله در انتخابات امریکا کرده و یا مجدداً حملات سایبری را انجام دهد.

پوتین رئیس‌جمهور روسیه در کنفرانس خبری گفت: «گفتن این که روابط بین دو کشور در حال بهبود یافتن است، دشوار خواهد بود، مگر جرقه‌های امید وجود دارد». وی امریکا را در مسائل حقوق بشر مورد تهاجم قرار داده و از زندان‌های استخبارات/اطلاعات امریکا در گوانتانامو و کشورهای دیگر و اقدامات غیر انسانی امریکا علیه سیاه‌پوستان و سایر ملت‌های دیگر، یاد نمود. این عکس‌العملی بود بر انتقادهای نیش‌دار امریکا در خصوص نقض حقوق بشر در داخل روسیه.

بایدن از اهمیت دیدار مستقیم بین خود و پوتین برای عدم ایجاد هرگونه سوء تفاهم در روابط بین دو کشور خبر داد و نیز تصریح نمود که آیندهٔ این روابط مشروط بر اقدامات روسیه است.

ب- اگر دقت کنیم درخواهیم یافت این امریکاست که اقدام به فشار بالای روسیه کرده است و نیز این امریکا بوده است که اقدام بر بحرانی کردن روابط دو کشور نموده است؛ به اندازه‌ای که پوتین رئیس‌جمهور روسیه چند وقت پیش آن را "بسیار مخرب" توصیف نمود. و نیز این امریکا بود که اقدام به برگذاری دیدار سران دو رهبر نمود بدون این که توافقی بر سر نقاط اختلافی صورت گیرد.

برای روسیه (این دیدار) مزهٔ خیر بوده و وی را به هلهله انداخت (چون روسیه فکر می‌نمود) که بایدن اولین رئیس‌جمهور امریکاست که در اولین تور خارجی خود تصمیم به نشست همراه رئیس‌جمهورش گرفته است و از این، به عنوان دلیلی مبنی بر این که امریکا به روسیه اهمیت می‌دهد تعبیر می‌کرد.

بایدن رئیس‌جمهور امریکا (با عمل کرد خویش این برداشت اشتباه روسیه را) رد نمود، چون از انگلیس نیز دیدن نمود و همراه "جانسون" نخست‌وزیر این کشور دیدار نمود و در اجلاس G7 به شکل حضوری اشتراک نمود؛ البته پس از آن که انتظار می‌رفت تا توسط انترنت از طریق شبکه‌های اجتماعی اشتراک کند. مضاف بر این، بایدن به شکل حضوری به اجلاس پیمان ناتو در بروکسل نیز اشتراک نمود و در آن‌جا، نشست‌های متعددی از جمله همراه اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه نیز داشت.

در بروکسل، هم‌چنان بایدن دیداری نادر از نوع خود همراه روسای شورای اروپا "چارلز میشل" و "اورزولا فون در لاین" رئیس‌کمیسیون اروپا داشت. به این ترتیب، دیدار بین بایدن و پوتین یکی از دیدارهای زیادی بود که رئیس‌جمهور امریکا به شکل

حضوری در تور اروپایی خود داشت، یعنی به منظور رفع این سوء تفاهم روسیه که گویا بایدن به شکل خاص همراه روسیه در این اجلاس اشتراک نموده است!

ج- با در نظر داشت مسائل فوق می توان گفت که نتایج مثبت در این دیدار سران دو رهبر، نهایت ناچیز بود که به موارد آتی خلاصه می شد. بازگرداندن سفرای دو کشور به پایتخت هم دیگر، التزام در خصوص پیمان استراتژیستیک استارت 3، این که بهبود روابط مشروط به قدم های آینده روسیه است، یعنی به کوتاه آمدن و مرتکب شدن اشتباه (مجدد روسیه) مثل اشتباه استراتژی ای که در سوریه، به مصلحت امریکا تمثیل نمود.

پوتین پس از نشستی که همراه "اوباما" رئیس جمهور سابق امریکا به 28 سپتامبر 2015م در نیویورک داشت، اعلام نمود که در سوریه مداخله نظامی می کند. در واقع با این کار، خدمات نظامی خویش را به منافع امریکا عرضه نمود. شاید روسیه را کینه ای که علیه اسلام داشت انگیزه داد تا در کشتار مسلمانان سوریه دست بزند و یا شاید به انگیزه گسستن انزوای بین المللی خویش پس از اشغال شبه جزیره کریمه در سال 2014م که تحریم های غربی را نیز در قبال داشت، او را انگیزه (به مداخله در سوریه) داده باشد. مگر مهم تر از آن، این است که امریکا لذت خدمات نظامی روسیه را چشیده و برای خدمت به نفوذ خویش در سوریه، اهمیت آن را مشاهده نموده است و حال امریکا با آزمندی زیادی می خواهد که این (ماموریت) مهم را در اقیانوس چین برای روسیه واگذار کند.

مداخله روسیه در سوریه با در نظر داشت این که روسیه می دانست بشار اسد مزدور امریکاست، اشتباه بزرگ استراتژی بود که هیچ رهبر عاقل دولت مستقل، آن را انجام نمی دهد.

د- اما اهداف اعلام نشده امریکا از فشار آوردن اش بالای روسیه این است که از این کشور در استراتژی امریکا علیه چین، (به عنوان) سنگ بین المللی استفاده کند. مهندس (استراتژی) شریک ساختن روسیه در فشار آوردن بالای چین و مجبور کردن این کشور بر همزیستی مسالمت آمیز همراه امریکا، "هنری کسینجر" وزیر خارجه پیشین امریکا در زمان جنگ ویتنام در اواسط دهه شصت قرن گذشته بود. همواره دفاتر سیاسی امریکا به سمت این پیرکار امریکایی، به عنوان متفکر سیاسی، استراتژیست و صاحب نظر باهوش در سیاست جهانی می بینند. به همین دلیل، این دفاتر سیاسی در سال 2016م برای وی دو نشست مهم ترتیب نمودند، در حالی که وی در دهه نود عمر خود قرار دارد. این دو نشست که به طور انفرادی به وقوع پیوست، همراه کاندیدان ریاست جمهوری ترامپ و هیلاری کلینتون صورت گرفت و توصیه این شخص برای دو کاندید، اهمیت و لزوم اشتراک روسیه و وادار کردن اش به این که همراه امریکا بر علیه چین موضع بگیرد، بود.

ه- علی رغم این که این اهداف امریکا سری بوده است، مگر امریکا آن را به شکلی از اشکال به روسیه انتقال نموده است و روسیه آن را خوب می داند. "لاوروف" وزیر خارجه روسیه گفت: « امریکا قادر نخواهد بود تا از روسیه ابزاری برای رسیدن به اهداف خویش و روبرویی با چین درست کند... همین اکنون به شکل جدی برسر این بحث می کنند که چگونه بتوانند روسیه را به نفع خود بر علیه چین استخدام کنند ... می خواهند ما را ابزاری برای به خدمت گرفتن منافع ایالات متحده امریکا قرار دهند.» وی افزود: « مگر مسلماً در این طرح خویش، موفق نخواهند.» (منبع: آر تی، 24 دسامبر 2018م)

و- دقیقاً (به کارگیری روسیه برای منافع آمریکا) چیزی است که آمریکا از روسیه می‌خواهد. به همین دلیل، به خاطر تطبیق دیدگاه "کسینجر"، برای مهار چین با اشتراک روسیه، بالای روسیه فشار آورده و فضای بین خود و این کشور را متشنج نموده است. در غیر این صورت، روسیه همراه آمریکا در رقابت قرار ندارد، نه در اقتصاد و نه در سیاست بین‌المللی و روسیه به استثنای ابزار نظامی، دیگر امکانات یک دولت بزرگ را ندارد. آمریکا با پیمان‌ها همراه اتحاد جماهیر شوروی و پس از آن با روسیه، ابزار نظامی روسیه را در چارچوبی بعید از تهدید آمریکا، قرار داده است. (نه تنها این) بلکه آمریکا از پیمان‌های زیادی خارج شده - مثل توافق‌نامه موشک‌های بالیستیکی که در سال 1972 منعقد شده بود - و به ساختن سپر موشکی خود پرداخت، ولی روسیه آن قدر اقتصاد قوی‌ای ندارد که برایش این امکان را بدهد تا توان‌مندی‌های نظامی خود را همانند آمریکا توسعه دهد... به همین ترتیب قدرت هسته‌ای و استراتژی روسیه علت و انگیزه وخیم شدن روابط اش با آمریکا نیست، ولی هدف وخیم کردن روابط با روسیه، این بود که بالایش فشار آورده تا از چین - کشوری که محور تمرکز آمریکا شده است - فاصله بگیرد. به همین دلیل، "پاتریک شاناهان" وزیر دفاع سابق آمریکا از رهبر ارتش خواست تا بالای چین تمرکز کرده و گفت: «چین، سپس چین و بعداً نیز چین.» (منبع: الجزیره نت، 3 جنوری 2019م)

ز- با این هم، آمریکا با پُرتنش کردن روابط خود با روسیه در انگیزه دادن روسیه علیه چین، ناکام بوده است، خاصاً این که فشار بالای روسیه هم‌زمان با فشار آوردن بالای چین بوده است؛ البته با جنگ تجارتي (که علیه این کشور به‌راه انداخت). این عمل کرد باعث نزدیک شدن روسیه همراه چین شده است... یعنی فشار آمریکا بر روسیه به‌خاطر مجبور کردنش تا همراه آمریکا علیه چین قدم بردارد، نتایج معکوس داده است و بدون شک آمریکا خطر توجه و نزدیک شدن روسیه با چین را می‌داند... به همین دلیل، حکومت بایدن تصمیم گرفته است تا اسلوب وضع "فشار" به طرف روسی را کنار گذاشته و در عوض، اسلوب دادن "جرقه امید" را با نشست سران جای‌گزین کند و سپس تا حد ممکن، نزدیکی روسیه و چین را بعید بگرداند... و با کمیسیون‌هایی که در نشست دو رهبر تشکیل شد، گفت‌وگوی بزرگی را همراه روسیه آغاز نمود.

4- به این ترتیب، دیدار بایدن همراه پوتین برای تحقق این هدف بوده است، یعنی دادن جرقه امید برای پوتین برای برطرف کردن تنش آمریکایی و فشار تحریم‌ها بالای روسیه به‌عنوان ابزاری تا روسیه در موضع خود از آمریکا در برابر چین حمایت کند یا حداقل باعث عدم نزدیکی روس همراه چین شود.

اما سایر نقاط اختلافی بین دو کشور، (همانند نقطه فوق) حایز اهمیت نیست، مثلاً بحث دایر در بین‌شان در مورد سوریه. چون آمریکا موضوع بحران سوریه را به‌شکلی می‌خواهد حل کند که روسیه با آن مخالف نیست. بناءً روسیه مادامی که آبرویش حفظ گردد، در این مورد مخالفت نمی‌کند و هم‌چنان در مورد افغانستان؛ چون روسیه عاجزتر از آن است تا (شعله آتش جنگ) را زیر پای آمریکائیان شعله‌ور کند، چنان‌چه آمریکا برعلیه روسیه آن‌را در دهه هشتاد شعله‌ور کرد. سپس مداخله روسیه در انتخابات آمریکا، برمی‌گردد به این که استفاده از انترنت به‌عنوان ابزار جدید برای تأثیرگذاری محسوب می‌گردد و شاید چون روسیه میزان قوت عکس‌العمل آمریکا را نادانسته دست به این کار زده است در غیر این صورت، از این مداخله دوری می‌جُست.

اما حملات سایبری که امریکا روسیه را متهم به انجام آن می‌کند، دارای آن‌چنان تأثیر فعالی که ترمیم‌اش سخت باشد، نبود. در محکوم کردن این حملات بایدن پس از اجلاس همراه پوتین خاطر نشان کرد که اگر روسیه یک بار دیگر برای نفوذ (به اطلاعات امریکا) تلاش کند، امریکا دارای توانایی‌های زیادی برای نفوذ (توسط حملات اینترنتی) روسیه و تخریب شبکه الکترونیکی آن است و تخریب خطوط لوله نفت روسی را به‌عنوان نمونه ذکر کرد.

5- رئیس‌جمهور روسیه ژنیف را در حالی ترک کرد که می‌دانست امریکا منتظر قدم‌های آینده روسیه در ماه‌های پیش‌رو می‌باشد و از طریق کمیسیون مشترکی که تصمیم به تشکیل آن شد، در صدد بحث و بررسی این قدم‌هاست و نیز رئیس‌جمهور روسیه به‌خوبی می‌داند که توانایی اعمال فشار امریکا بالای روسیه زیاد است و برخی از این فشارها را امریکا امتحان نموده است و هم‌چنان می‌داند که چین وی را ترک خواهد کرد و متوجه غرب خواهد شد، چون منافع تجاری‌اش با غرب، به مراتب بیش‌تر از منافع‌اش با روسیه است. بنابراین، ماه‌های آینده به احتمال زیاد روابط امریکا با روسیه بهبود خواهد یافت و بازگشت سفیران دو کشور مقدمه آن اند. و نیز به احتمال زیاد، روابط چین و روسیه به سردی خواهد گرایید، به هر میزانی که روابط روسیه با امریکا گرم شود، به همان میزان روابط‌اش با چین سرد خواهد شد و اگر این موضوع تحقق یابد، اقدام رئیس‌جمهور بایدن به برگذاری نشست همراه پوتین رئیس‌جمهور روسیه، مانع نزدیکی روسیه همراه چین خواهد شد و هم‌چنان، روسیه به عنوان ابزاری فشار بالای چین قرار داده خواهد شد، هرچند که براساس دیدگاه "کسینجر"، به میزان کم‌تر از انتظارات امریکا باشد.

اگر این مأمول توسط روسیه تحقق نیافته و در داخل روسیه به رهبری پوتین، گرایش سرکشی (علیه امریکا) ادامه یابد، آن‌چه انتظار می‌رود این است که حکومت بایدن فشارهای خویش علیه روسیه را افزایش داده و این کشور را با کمربندی از آتش تهدید کند. اطراف آن را در قفقاز جایی که درگیری آذری و ارمنی وجود دارد سپس در موضوع اکراین به‌خاطر بازگرداندن توحید اراضی این کشور، حمایت غرب از این را کشور اعلام کند...

به این ترتیب، این کشورهای طاغوتی که در رأس آن امریکا قرار دارد، در آن‌چه مصلحت مردم است، نمی‌اندیشد، بلکه به تحقق منافع خویش فکر می‌کند حتی اگر به قیمت کشتن مردم تمام شود.

﴿أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ [فرقان: 34]

ترجمه: آنان بدترین جایگاه و منحرف‌ترین راه را دارند.

9 ذی القعدة 1442 هـ.ق.

20 جون/ژوئن 2021 م.

امیر حزب التحریر

مترجم: اسماعیل نصرت